

بهلول حاکم ری در دوره هارون الرشید:

پژوهشی بر پایه سکه ضرب شده در محمدیه (۱۷۳ هـ)^۱

محمد جعفر اشکواری^۲

استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

سید علی علوی نیا ابرقویی

پژوهشگر تاریخ و سکه، تهران، ایران

چکیده

این مقاله این پرسش را پی گرفته که مراد از بهلول منقوش بر سکه ضرب محمدیه (ری) در سال ۱۷۳ هـ کیست/ چیست؟ نام یا لقب فردی مشخص است یا عبارتی در تائید عیار و کیفیت سکه؟ برای دستیابی به پاسخ سکه‌های ضرب محمدیه در سال‌های ۱۷۰ تا ۱۷۳ هـ با داده‌های منابع مکتوب مقایسه و بررسی گردید. بنابر یافته‌های این پژوهش، بهلول منقوش بر سکه محمدیه ضرب ۱۷۳ هـ همان بهلول مشهور روزگار عباسیان یعنی ابو وهیب بن عمرو بن مغیره است. بهلول هم‌زمان با سلطه برمکیان بر دستگاه خلافت عباسی در دوره هارون، مدتی از سوی یحیی برمکی اداره محمدیه (ری) را در اختیار داشت. گرایش به تشیع و احتمالاً نگرانی‌های خلیفه سبب شد تا بهلول مدت زیادی در منصب اداری نباشد و در ادامه برای در امان ماندن از گزندهای احتمالی خلیفه، خود را به جنون زد و سال‌های پایانی عمر خود را در کوفه سپری کرد.

کلیدواژه‌ها: بهلول، سکه بهلول، محمدیه/ری، هارون الرشید، یحیی بن خالد برمکی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۱۵

۲. رایانامه (مسئول مکاتبات): ashkevari@znu.ac.ir

مقدمه

با سکه‌شناسی می‌توان به داده‌های اقتصادی و مالی، اوزان و مقادیر، هنر حکاکی، سکه‌زنی، سیر تحول یک خط، گاه‌شماری، دین و مذهب، اسامی حاکمان و والیان در دوره‌های مختلف تاریخی دست یافت. از این روی سکه‌ها یکی از مهم‌ترین مدارک تاریخی به شمار می‌روند و در مطالعه و شناخت رویدادهای تاریخی بسیار تأثیرگذار هستند به‌ویژه در مواقعی که منابع مکتوب با کاستی‌هایی همراه باشد. در ۱۷۳ هـ و در دارالضرب محمدیه که یکی از مراکز اصلی ضرب سکه در دوره هارون به شمار می‌رفت سکه‌ای ضرب شده که بر روی آن «بهلول» نوشته شده است.^۳ در منابع متقدم تاریخی گزارش و اطلاعی درباره حاکم محمدیه در این سال وجود ندارد. این که فقط در یک سال این کلمه بر سکه ضرب شده است و در سال‌های دیگر چنین چیزی وجود ندارد سؤالاتی را در پی دارد. این که بهلول منقوش بر سکه اسم یک فرد است یا عنوان و لقبی برای فرد خاصی مد نظر بوده است؟ یا این که این کلمه به منظور تعیین عیار و کیفیت سکه بر آن نقر شده است؟ برای پاسخ به این سؤال‌ها، ابتدا بعد از بررسی احتمال‌های مختلف درباره «بهلول»، مشخص می‌شود که بهلول منقوش بر سکه اسم یک فرد است. به همین دلیل ابتدا افرادی که با نام بهلول در دوره زمانی ضرب سکه در قید حیات بودند شناسایی و بعد از بررسی مشخص شد که کدام یک از این افراد به احتمال فراوان بهلول منقوش بر سکه است؛ بنابراین پژوهش در این زمینه یعنی مشخص ساختن «بهلول» منقوش بر سکه سال ۱۷۳ هـ ضرب محمدیه ضروری به نظر می‌رسد زیرا می‌تواند زمینه را برای پژوهش‌های بعدی نیز فراهم سازد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام‌شده درباره بهلول را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: الف) پژوهش‌هایی

۳. تعداد اندکی از سکه بهلول موجود است و حتی استفن آلوم آن را در زمره سکه‌های کمیاب دسته‌بندی کرده است. در این پژوهش از سکه موجود در مجموعه شخصی آقای دکتر سید علی علوی نیا ابرقویی استفاده شده است.

که درباره شخصیت بهلول و بیشتر مبتنی بر منابع مکتوب نوشته شده است. از این دسته می-توان مدخل‌های «بهلول» در دایره‌المعارف اسلام، دانشنامه ایرانیکا، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و دانشنامه جهان اسلام نام برد که در هیچ‌یک به سکه بهلول اشاره نشده است.^۴ (ب) پژوهش‌هایی که سکه بهلول را به‌عنوان یکی از سکه‌های ضرب محمدیه معرفی کرده‌اند. در مطالعات سکه‌شناختی مایلز،^۵ شمس اشراق،^۶ ترابی طباطبایی و وثیق،^۷ رضائی باغبیدی^۸ و استفن آل‌بوم^۹ از این سکه یاد شده است. در این آثار درباره این که مراد از بهلول در سکه مورد نظر کیست/ چیست؟ سخنی به میان نیامده و تنها رضائی باغبیدی بهلول را احتمالاً یکی از مسئولان ضرب‌خانه محمدیه معرفی کرده است.^{۱۰} بنابراین به نظر می‌رسد برای رمزگشایی از این سکه و نوشته روی آن، پیوند بین داده‌های منابع مکتوب و اطلاعات سکه‌شناختی ضروری است.

ضرب سکه در دوره هارون الرشید (حک ۱۷۰-۱۹۳ هـ)

پس از مرگ هادی، بلافاصله هارون الرشید با کمک مادرش خیزران و تلاش‌های یحیی بن خالد برمکی (د ۱۹۰ هـ) به خلافت رسید.^{۱۱} خلافت هارون با نفوذ و قدرت خاندان برمکه آغاز شد؛ به این صورت که هارون در اولین گام و به پاس خدمات یحیی و درایتی که از وی سراغ داشت^{۱۲} وزارت را به وی واگذار کرد.^{۱۳} البته نفوذ یحیی به اندازه‌ای بود که به نوعی

۴. برای مشخصات این مدخل‌ها به کتابشناسی پایان مقاله رجوع شود.

5. Miles, 55-56.

۶. شمس اشراق، ۱۸۰.

۷. ترابی طباطبایی و وثیق، ۲۱۴.

۸. رضائی باغبیدی، ۱۳۴.

9. http://db.stevealbum.com/php/lot_auc.php?sale=35&lot=926.

۱۰. رضائی باغبیدی، همانجا.

۱۱. ابن اثیر، ۱۰۷/۶.

۱۲. درباره شخصیت یحیی نک. ابن طباطبا، ۱۷۹؛ جهشیاری، ۲۰۱.

همه دیوان‌ها را در اختیار داشت.^{۱۴} با تدابیری که یحیی در اداره امور مالی به کار بست، خراج در این دوره به اوج خود رسید و اوضاع اقتصادی بهبود یافت. در سال ۱۸۶هـ و یک سال قبل از سرنگونی برامکه، رشید با یحیی، امین با فضل و مأمون با جعفر راهی سفر زیارتی حج شدند و در نتیجه بذل و بخشش‌ها، بسیاری از مردم توانگر شدند و این سال با عنوان سال عطایای سه‌گانه معروف شد.^{۱۵}

ضرب سکه در دوره هارون در مقایسه با خلفای پیشین با تغییراتی همراه بود به این صورت که تا زمان هارون نظارت بر امر درهم و دینار از وظایف خاص خلفا بود اما وی برخلاف خلفای پیشین نظارت مستقیم بر این امور نداشت و این کار را به جعفر بن یحیی برمکی واگذار کرد.^{۱۶} از جمله تغییرات دیگر این بود که برای اولین بار نام والیان مصر بر روی سکه‌های طلا ضرب شد. به‌عنوان نمونه نام علی بن سلیمان بن علی عباسی که در سال‌های ۱۶۹-۱۷۱هـ والی مصر بود، بر سکه ضرب شد.^{۱۷} بر درهم‌های ضرب شده در دوره هارون الرشید نام یحیی، جعفر و فضل برمکی به همراه اسامی والیان نواحی مختلف، مسئولان ضربخانه‌ها و عباراتی مانند مبارک، بَخَّ، بَخَّ بَخَّ، جَیْد، صَرْد به معنای ناب و خالص نیز آمده‌است. از جمله دارالضرب‌های این دوره می‌توان به بخارا، بلخ، نیشابور، محمدیه، زَرَنج، سیستان، آرمینیه، آران و افریقیه اشاره کرد.^{۱۸}

نام هارون بر سکه‌ها به صورت‌های گوناگون آمده‌است از جمله: «الخلیفه الرشید، الخلیفه المرضی، الخلیفه المرضی هارون، الخلیفه هارون امیرالمؤمنین، عبدالله

۱۳. طبری، ۵۰/۱۰؛ جهشیاری، ۱۷۰.

۱۴. طبری، ۲۳۸/۸.

۱۵. طبری، ۱۳۳-۷۳/۱۰؛ ابن طباطبا، ۱۸۲.

۱۶. مقریزی، ۶۶.

۱۷. فهمی محمد، ۵۲؛ رباع، ۲۳۵.

۱۸. برای اطلاع بیشتر نک. شمس اشراق، ۱۷۸-۱۹۲؛ رضائی باغ بیدی، ۱۳۴-۱۳۵.

امیرالمؤمنین، عبدالله هارون امیرالمؤمنین^{۱۹}. نکته مهم در این بین لقب امیرالمؤمنین برای خلیفه است که برای اولین بار بر سکه‌های خلفای عباسی ضرب شد.^{۲۰} علاوه بر نام خلیفه، نام فرزندان وی امین و مأمون نیز بر دینارها ضرب شد.^{۲۱} به‌عنوان نمونه بر دینار ضرب سال‌های ۱۷۹-۱۸۷ هـ در مدینه السلام نام امین چنین آورده شده است: «مما امر به الامیر الامین محمد بن امیر المومنین».^{۲۲} نیز نام امین بر درهم‌های ضرب محمدیه در سال ۱۷۱-۱۷۶ هـ به‌صورت «محمد بن امیر المومنین»^{۲۳} و «ولی عهد المسلمین» آمده است^{۲۴} نام مأمون بر سکه‌های ارمینیه (۱۷۵ هـ) و مصر (۱۸۵-۱۸۸ هـ) به‌صورت «مأمون عبدالله بن امیرالمؤمنین» آمده است.^{۲۵}

دارالضرب مُحَمَّدِیَه

چندین مکان در دوره اسلامی محمدیه نام داشت. یاقوت حموی هشت مکان را نام برده که محمدیه نامیده می‌شدند که در میان آن‌ها نام چند روستا و شهر دیده می‌شود.^{۲۶} اما محمدیه موردنظر در این پژوهش که یکی از دارالضرب‌های مهم دوره اسلامی و عصر هارون به شمار می‌رفت، شهر ری است. قدمت ری تا پنج هزار سال پیش از میلاد تخمین زده شده است.^{۲۷} و یونانیان آن را Rhages می‌گفتند و در منابع جغرافیایی دوره اسلامی بیشتر با

۱۹. رضائی‌باغ بیدی، ۱۳۲.

۲۰. رباح، ۲۳۴.

۲۱. نقشبندی، ۱۰۷.

۲۲. رضائی‌باغ بیدی، ۱۳۳.

23. Miles, 54, 55; ۱۵۴. تراپی طباطبایی و وثیق.

24. Idem, 58.

۲۵. باغ بیدی، ۱۳۳؛ Alburne, 53.

۲۶. یاقوت حموی، معجم البلدان، ۶۴/۵-۶۶؛ همو، المشترك وضعوا والمفترق صقعا، ۳۸۷.

۲۷. هوف، ۳۸.

الف و لام تعریف «الری» آمده است.^{۲۸} فتح ری را در فاصله سال‌های ۱۹ تا ۲۴ هجری بیان کرده‌اند.^{۲۹} قول مشهور این است که در ماه‌های آخر خلافت عمر در سال ۲۳ ه، نَعْمَان بن مُقَرَّن از جانب امیر کوفه در نبرد با مرزبان ری، سیاوخش بن مهران بن چوبین، آن‌جا را فتح کرد. سپس بر پایه پیمان صلحی مقرر شد مردم ری در ازای پرداخت جزیه و خراج بر کیش خود باقی بمانند.^{۳۰} سپس شهر تخریب و شهری جدید در قسمت شرقی آن ساخته شد.^{۳۱} زمانی که محمد بن منصور ملقب به المهدی ولیعهد خلیفه در فاصله سال‌های ۱۴۱ تا ۱۴۴ ه در ری مشغول عملیات نظامی علیه حکام محلی دماوند و طبرستان بود^{۳۲} دستور داد تا در مشرق شهر، در دامنه کوه، برای تقویت موقعیت سیاسی و نظامی ری، عمارت‌هایی ساخته شود.^{۳۳} بخش تازه تأسیس شهر ری، به نام بانی آن، محمدیه و مهدیه خوانده می‌شد.^{۳۴} ساخت محمدیه در ۱۵۸ ه پایان یافت. اطراف شهر را بارو کشیدند و دو ردیف خندق حفر کردند. اهالی ری به محمدیه، مدینه یا شهر و به محدوده بیرون از بارو، المدینه الخارجیه یا شهر بیرونی می‌گفتند.^{۳۵} محمدیه یکی از ضرابخانه‌های مطرح دوره عباسی بود و نام آن بر بسیاری از سکه‌های این دوره دیده می‌شود.^{۳۶}

سابقه ضرب سکه در ری به دوره اشکانیان می‌رسد و بعد از حضور اعراب مسلمان در ایران نیز یکی از دارالضرب‌های مهم به‌شمار می‌رفت. آخرین سکه‌ها با طراز عرب-ساسانی

۲۸. لسترنج، ۲۳۱.

۲۹. نک. بلاذری، ۲۴؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ۸۹۵/۲.

۳۰. بلاذری، ۴۴۴-۴۴۶؛ قدامه بن جعفر، ۳۷۵.

۳۱. طبری، ۱۵۰/۴.

۳۲. همو، ۵۱۰/۸.

۳۳. بلاذری، ۴۴۷؛ قزوینی، ۴۴۳.

۳۴. یعقوبی، ۸۹؛ اسحاق بن حسین، ۶۷.

۳۵. یاقوت حموی، معجم البلدان، ۶۵/۵.

۳۶. لسترنج، ۲۳۱؛ عقیلی، ۳۳۰-۳۳۱.

به سال ۷۴هـ و اولین سکه‌ها با طراز اسلامی به سال ۸۱هـ در این شهر ضرب شده‌است.^{۳۷} با استناد به سکه‌هایی به تاریخ حدود ۱۴۸ تا ۴۰۷هـ، نام رسمی این شهر محمدیه بود.^{۳۸} با وجود این گاه نیز بر سکه‌ها نام ری ضرب شده‌است.^{۳۹} سرانجام پس از تصرف شهر به دست محمود غزنوی در ۴۲۰هـ بار دیگر بر سکه‌ها به جای محمدیه، ری ضرب شد.^{۴۰}

سکه‌های ضرب محمدیه از ۱۷۰-۱۷۳هـ

در دو سال نخست خلافت هارون (۱۷۰ و ۱۷۱هـ) بر روی سکه‌های ضرب محمدیه عبارت «مبارک» دیده می‌شود که به نظر می‌رسد اشاره به شروع خلافت هارون دارد.^{۴۱} زامباور، سعد (مولی الهمدی) را حاکم ری در فاصله سال‌های ۱۶۶ تا ۱۷۶هـ معرفی کرده‌است^{۴۲} که به استناد سکه‌های ضرب محمدیه در ۱۶۸هـ^{۴۳} و ۱۷۰هـ^{۴۴} که نام سعد بر آن‌ها نقر شده، این موضوع قابل تأیید است. این که آیا تا زمان انتصاب فضل بن یحیی به عنوان والی خراسان، ری، سیستان، طبرستان، ماوراءالنهر، جبال، خوارزم، دنهاوند (دماوند)، قومس، ارمینیه، آذربایجان و همدان در سال ۱۷۶هـ،^{۴۵} سعد همچنان اداره ری را در اختیار داشت یا خیر، اطلاعی در دست نیست اما بر روی سکه‌های این دوره نام‌هایی نوشته شده‌است که می‌توان آن‌ها را به عنوان حاکم احتمالی معرفی کرد. بر سکه‌های ضرب سال ۱۷۰ و ۱۷۲هـ نام

۳۷. عقیلی، ۲۰۶؛ سرافراز و آورزمانی، ۱۳۹.

۳۸. عقیلی، ۳۳۰، شمس اشراق، ۱۷۲، ۱۷۳، ۲۰۷؛ Miles, 31-186.

39. Miles, 32, 40, 67.

40. Ibid, 188.

۴۱. شمس اشراق، ۱۷۹؛ Miles, 55، القزاز، الدرهم العباسی فی زمن الخلیفه هرون الرشید، ۱۹۵. بر سکه‌های ضرب جی نیز عبارت مبارک نقر شده‌است (رضائی باغ بیدی، ۱۳۴).

۴۲. زامباور، ۷۰.

43. Miles, 47.

۴۴. تراپی طباطبایی و وثیق، ۱۸۱.

۴۵. طبری، ۲۴۲/۸، ۲۵۵؛ ابن خلکان، ۲۹/۴؛ تاریخ سیستان، ۱۵۳-۱۵۴.

«داود» آمده است. مایلز ابهاماتی درباره نظر اسماعیل غالب^{۴۶} که داود را داود بن یزید بن حاتم بن قبیصه بن مهلب دانسته، مطرح و حتی نظر میر که داود را به معنای صفتی جهت کیفیت عیار سکه در نظر گرفته^{۴۷} چندان جالب ندانسته و در نهایت اذعان می‌کند که نمی‌توان در این باره اظهار نظر قطعی ارائه کرد.^{۴۸} موضوعی که رباح نیز به آن اشاره کرده است.^{۴۹} بر سکه سال ۱۷۱ هـ که به نام فرزند هارون (امین-محمد بن امیر المؤمنین) ضرب شده و نیز سکه سال ۱۷۲ هـ کلمه‌ای است که مایلز آن را «جارب» برگرفته شده از «مُجَرَّب» می‌داند^{۵۰} که به نظر درست نیست زیرا اگرچه از نظر صرفی درست است اما چندان کاربردی نیست و برای اسم فاعل از «جرب» صفت مشبیه «أجرب» استفاده می‌شود.^{۵۱} نوتزل آن را «حارث» خوانده است.^{۵۲} مشابه این سکه در هارونیه^{۵۳} در سال ۱۷۱ هـ ضرب شده که بونران را «حارث» خوانده است.^{۵۴} بنابراین این احتمال وجود دارد که حارث از حکام محلی یا مسئول ضربخانه بوده که نام خود را بر سکه نقر کرده است.

۴۶. اسماعیل غالب (۱۸۴۵-۱۸۹۵م) سکه‌شناس برجسته اهل عثمانی و فرزند ابراهیم ادهم وزیر دربار سلطان عبدالحمید دوم در فاصله سال‌های ۱۸۷۷-۱۸۷۸م.

47. Meier, 769-770.

۴۸. در این باره نک. Miles, p. 51-54، رضائی‌باغ بیدی، ۱۳۴.

۴۹. رباح، ۲۳۷.

50. Miles, 54-55.

۵۱. برای اطلاع بیشتر نک. ابن منظور، ۲۵۹/۱-۲۶۱.

52. Nutzel, 1/170.

۵۳. شهری در نزدیکی مرعش در ثغور شام که ساخت آن در زمان مهدی عباسی آغاز و در دوره هارون الرشید تکمیل شد (یاقوت حموی، معجم البلدان، ۳۸۸/۵).

54. Bonner, 190.

حارث	حارب
محمد رسول الله	محمد رسول الله
الخلیفة الرشید	الخلیفة الرشید
سما امر به محمد	سما امر به محمد
بن امیر المؤمنین	بن امیر المؤمنین
ص	س

Nutzel, 1/170

Miles, 55

بر دیگر سکه‌های سال ۱۷۲ هجری عبارت «الفضل» و «فضل» نقر شده که مایلز معتقد است هم‌معنی «مبارک» و «برکه» است^{۵۵} که به نظر صحیح نیست. دو شخصیت در این دوران فضل نام داشتند: فضل بن ربیع و فضل بن یحیی. فضل بن ربیع در سال ۱۷۲ یا ۱۷۳ هجری به دستور یحیی بن خالد مسئولیت دیوان نفقات را بر عهده گرفت؛^{۵۶} اما تا مرگ خیزران در جمادی الآخر ۱۷۳ هجری^{۵۷} قدرت اجرایی چندانی نداشت و با مرگ خیزران، خلیفه علاوه بر دادن خاتم به او (صاحب مهر شد)^{۵۸}؛ درآمدهای عامه و خاصه بادوریا و کوفه را نیز به وی سپرد.^{۵۹} نام فضل بن یحیی بر سکه محمدیه ضرب سال ۱۷۵ هجری «الفضل بن یحیی» نوشته شده است،^{۶۰} همچنین بر سکه‌های ضرب ارمینیه در سال‌های ۱۷۵ هجری^{۶۱} و سکه ضرب محمدیه در سال ۱۷۷ هجری «الفضل» نقر شده است.^{۶۲} این احتمال وجود دارد که منظور از فضل، فضل بن یحیی برمکی باشد که هم‌زمان با اوج قدرت پدر در این دوره،^{۶۳} در این

55. Miles, 55.

۵۶. طبری، ۲۳۸/۸؛ جهشیاری، ۱۲۲.

۵۷. مسعودی، ۱۹۷/۴.

۵۸. طبری، ۲۳۸/۸.

۵۹. ابن اثیر، ۱۱۹/۶.

60. Miles, 181.

۶۱. القزاز، الدرهم العباسی فی زمن الخلیفه هرون الرشید، ۱۷۶.

۶۲. شمس اشراق، ۱۸۲.

۶۳. در این باره نک. جهشیاری، ۱۱۴؛ اکبری، ۲۶-۲۷.

مناطق حضور داشته‌است و در ادامه از طرف خلیفه در سال ۱۷۶هـ^{۶۴} برای سرکوب یحیی بن عبدالله علوی رهسپار شمال ایران شد.^{۶۵} در ۱۷۲هـ سکه‌ای در محمدیه ضرب شده‌است که برای اولین بار نام یحیی بر آن نوشته شده‌است.

بر اساس سکه‌های موجود، سه نوع سکه در سال ۱۷۳ق در محمدیه ضرب شده‌است. ابتدا مانند سکه‌ای که نام یحیی بر آن نقر شده بود، در پایین عبارت‌های روی سکه،

یحیی
محمد رسول
الله صلی الله
علیه وسلم
الخلیفة الرشید
ب
بسم الله ضرب هذا الدرهم
بالحمدية سنة ثنين وسبعين ومية

القزاز، الدرهم العباسی فی زمن الخلیفه هرون الرشید، ۱۹۵

«بهلول» نوشته شده‌است (بنگرید به ادامه مقاله)، سپس «سلام» جای یحیی و «معویه/معاویه» جای بهلول را گرفته و در گونه سوم، فقط داود بر سکه نقر شده‌است. مایلز «سلام» را معادل «مبارک» و «برکه»^{۶۶} و میر آن را با «صرد» به معنای ناب و خالص یکی دانسته‌است.^{۶۷} البته القزاز برخی از حروف نقر شده بر روی سکه‌ها از جمله «س» را «سلام» دانسته و نوشته که این حروف در واقع حرف اول اسامی افرادی است که در امر ضرب سکه فعالیت داشتند.^{۶۸} نکته جالب این که «سلام» فقط بر سکه‌هایی که در آن‌ها بر ولایتعهدی امین اشاره شده آمده‌است.^{۶۹} مایلز معاویه را معاویه بن زفر بن عاصم^{۷۰} دانسته و

۶۴. جهشیاری قیام یحیی بن عبدالله را در سال ۱۷۲ قمری می‌داند (۱۲۲).

۶۵. گردیزی، ۱۶۰-۱۶۱.

66. Miles, 56.

67. Meier, 762.

۶۸. القزاز، «الدرهم العباسی فی زمن الخلیفه هرون الرشید»، ۲۶۰.

69. Miles, 58-60.

۷۰. طبری در ذیل حوادث سال ۱۷۸ق به نبرد تابستانه معاویه بن زفر بن عاصم در ثغور اشاره کرده‌است (طبری،

۲۶۰/۸).

در تأیید این ادعا، به سکه ضرب سال ۱۷۸هـ در ری استناد کرده‌است که بر روی آن «عثمان/ عثمان» نوشته شده و این عثمان را برادر معاویه معرفی و معتقد است این خانواده به احتمال زیاد در ری ساکن بودند.^{۷۱}

ســــــــــــلام
محمد رسول
الله الخليفة الرشيد
مما امر به محمد
بن امير المؤمنين
معوية

القزاز، الدرهم العباسی فی زمن الخليفة هرون الرشيد، ۱۹۵

معرفی و بررسی سکه بهلول ضرب مُحَمَّدِيه

در سال ۱۷۳هـ در دارالضرب محمدیه درهمی ضرب شده که تاکنون پژوهش دقیقی درباره آن انجام نگرفته‌است. جنس این سکه از نقره است. ترابی طباطبایی و وثیق وزن سکه را ۲/۸۵ گرم و قطر آن را ۲/۶ سانتی متر،^{۷۲} شمس اشراق وزن سکه را ۲/۷۳ گرم و قطر آن را ۲۴ میلی متر (۲/۴ سانتی متر)^{۷۳} و استفن آلبوم وزن سکه را ۲/۷۵ گرم نوشته‌است.^{۷۴} وزن سکه مورد مطالعه در این پژوهش ۲/۶۰ گرم و قطر آن ۲/۵ سانتی متر است که این اختلاف در وزن و قطر بنا بر دلایلی مانند دقت وسایل اندازه‌گیری، خوردگی و سائیدگی امری طبیعی است. طرح روی سکه ساده است و نوشته‌ها درون دو دایره که به فاصله اندکی از یکدیگر ترسیم شده‌اند، قرار گرفته‌اند. به ترتیب از بالا به پایین چنین نوشته شده‌است: «یحیی/ محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم/ الخليفة الرشيد/ بهلول».

«یحیی» که بر روی سکه نقش بسته است در واقع یحیی بن خالد برمکی وزیر

71. Ibid, 65-66.

۷۲. ترابی طباطبایی و وثیق، ۲۱۴.

۷۳. شمس اشراق، ۱۸۰.

74. http://db.stvealbum.com/php/lot_auc.php?sale=35&lot=926.

هارون الرشید است^{۷۵} که در ۱۴ ربیع الاول سال ۱۷۰هـ با اختیارات تام به وزارت رسید.^{۷۶} البته میر سعی کرده تا یحیی را «بخیی» مشتق از «بَخ» به معنای خوب و نیکو بخواند^{۷۷} که صحیح نیست زیرا پژوهشگران نام یحیی بر روی سکه‌های ضرب دوره هارون را یحیی بن خالد برمکی دانسته‌اند.^{۷۸}



منبع: مجموعه شخصی

یکی از وجوه تمایز سکه‌های عباسی و اموی جایگزینی جمله «محمد رسول الله» به جای سوره اخلاص بود.^{۷۹} عبارت «محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم» بر سکه‌های ضرب ری و در ادامه محمدیه از آغاز خلافت عباسی بدون جمله فعلی دعایی «صلی الله علیه و سلم» نیز نقر شده است.^{۸۰} از سال ۱۶۰هـ این عبارت دعایی هم به سکه‌های ضرب محمدیه اضافه شد.^{۸۱} عبارت بعدی نام خلیفه است که به صورت «الخلیفه الرشید» ضرب شده و عبارت بعدی بر روی سکه «بهلول» است. در حاشیه سکه نیز دایره‌ای بزرگ‌تر قرار دارد که درون آن چنین نوشته شده است:

75. Miles, 55؛ ۲۱۴؛ وثیق، ۱۸۳.

۷۶. مسعودی، ۱۹۶/۴؛ مجمل التواریخ و القصص، ۳۳۶.

77. Meier, 772-773.

۷۸. به عنوان نمونه، القزاز، «الدرهم العباسی فی زمن الخلیفه هرون الرشید»، Miles, 55؛ ۱۷۰؛ تراپی طباطبایی و وثیق، ۱۸۳.

۷۹. رباح، ۲۲۹.

80. Miles, 20.

81. Idem, 38.

اساس عقربه‌های ساعت اکتفا کرده است.^{۸۵} نکته جالب توجه این که این طرح اولین بار در سکه ضرب سال ۱۶۲ هـ هنگامی که حمزه بن یحیی (حک ۱۶۰-۱۶۳ هـ) والی محمدیه^{۸۶} بود مشاهده می‌شود^{۸۷} در حالی که در سکه ضرب سال ۱۶۱ هـ تعداد ۱۲ دایره به صورت فرد (۱) و زوج (۳) طراحی شده‌اند^{۸۸} تا این که در سال ۱۶۵ هـ این طرح با پنج دایره جایگزین شد.^{۸۹} هم‌زمان با آخرین سال خلافت هادی یعنی سال ۱۷۰ هـ و بار دیگر شاهد تغییر دایره‌های کوچک هستیم به این صورت که پنج جفت دایره کوچک به صورت دوتایی در کنار یکدیگر قرار دارند و تا سال ۱۷۲ ق ادامه دارد تا این که در سکه بهلول طرح سکه سال ۱۶۲ هـ تکرار می‌شود.^{۹۰}

بهلول

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، بر یکی از سکه‌های ضرب محمدیه در سال ۱۷۳ هـ بهلول نوشته شده است. وجود کلمه «بهلول» بر روی این سکه سؤال‌هایی را در پی دارد: این که تلفظ دقیق این کلمه چگونه است؟ بهلول یا بُلُلول؟ بهلول در این جا اسم شخص یا کلمه‌ای با معنی خاص یا این که لقبی یا صفتی برای فردی خاص است؟ تاکنون در این زمینه اظهار نظر دقیقی انجام نشده است. بیشتر پژوهشگران به معرفی مشخصات ظاهری سکه

۸۵. شمس اشراق، ۱۷۰. وی همچنین در معرفی سکه اموی ضرب بصره در سال ۷۹ ق فقط مکان قرارگیری حلقه‌های کوچک را بر اساس عقربه‌های ساعت بر روی سکه نشان داده است همچنین این کار را در معرفی سکه‌ای از سال ۱۴۵ ق که در اردشیر خُره ضرب شده بود، تکرار کرده است (۵۲، ۱۵۵).

۸۶. زامباور، ۷۰.

۸۷. شمس اشراق، ۱۷۳.

۸۸. همو، ۱۷۱-۱۷۲؛ ترابی طباطبایی و وثیق، ۱۶۶.

۸۹. شمس اشراق، ۱۷۶.

۹۰. همو، ۱۷۸-۱۷۹، ۱۸۰.

اکتفا کرده‌اند و درباره بهلول اظهار نظر نکرده‌اند^{۹۱} فقط رضائی باغ بیدی بهلول را احتمالاً یکی از مسئولان ضرابخانه محمدیه دانسته‌است.^{۹۲} در این میان بیشتر «بهلول» را به ضم «ب» خوانده‌اند^{۹۳} و فقط در استغنی آلبوم Bahlul (بهلول)^{۹۴} آمده‌است.^{۹۵}

بهلول در لغت به معنای فردی که بسیار می‌خندد، صاحب همه خوبی‌ها (خیرات)،^{۹۶} مرد خنده رو و پیشوای قوم^{۹۷} آمده‌است. اگر در سکه مورد مطالعه، بهلول اسم یک فرد نباشد، می‌توان چند احتمال را مطرح کرد: اول این که بهلول به ضم «ب»، را به معنی مرد صاحب و جامع همه خیرات^{۹۸} صفتی برای یحیی برمکی در نظر گرفته باشند که نام وی بر سکه نوشته شده‌است. اگرچه مسعودی بر درایت و عقلانیت یحیی تأکید کرده‌است^{۹۹} اما داده‌های منابع و پژوهش‌های انجام گرفته این موضوع را تأیید نمی‌کند که یحیی برمکی را با صفت «بهلول» خوانده باشند.^{۱۰۰} دوم این که بهلول را از بَهَل به فتح «ب» و «ه» به معنی رها و آزاد شده،^{۱۰۱} صفتی برای یحیی برمکی در نظر گرفته باشند که به نظر صحیح نمی‌رسد

۹۱. القزاز، «الدرهم العباسی فی زمن الخلیفه هرون الرشید»، ۱۹۵؛ شمس اشراق، ۱۷۳.

۹۲. رضائی باغ بیدی، ۱۳۴.

۹۳. شمس اشراق، ۱۸۰؛ Miles, 56.

۹۴. نام یکی از امیران کرد در میافارقین بهلول بود که برای مدتی در خدمت اسکندر پاشا والی دیاربکر بود (برای اطلاع بیشتر نک. Nikitine, 1/ 923؛ همچنین اولین حاکم لودی از سلاطین دهلی بهلول (حک ۸۵۵-۱۸۹۴ق/۱۴۵۱-۱۴۸۹م) نام داشت (زامباور، ۴۲۳). به غیر از این دو مورد دیگر فردی با نام بهلول در منابع تاریخی ثبت نشده‌است.

95. http://db.stevealbum.com/php/lot_auc.php?sale=35&lot=926.

۹۶. ابن منظور، ۵۲۳/۱.

۹۷. غیاث الدین رامپوری، ۱۷۹/۱؛ دهخدا، ۵۱۲۴/۴.

۹۸. ابن منظور، ۵۲۳/۱؛ جر، ۶۵/۱.

۹۹. مسعودی، ۳۶۸/۳.

۱۰۰. ابن خلکان، ۲۱۹/۶-۲۲۹؛ زرکلی، ۱۴۴/۸؛ سجادی، ۱۰-۱/۱۲؛ منفرد، ۱۹۹-۲۱۲/۳؛ Sourdel,

2/1033-1036.

۱۰۱. فراهیدی ازدی، ۱۶۸/۱؛ بستانی، ۲۵۲۹.

زیرا در منابع چنین صفتی برای یحیی ذکر نشده است. سوم این که بهلول را مشتقی از «بَه» یا «بَخ» در نظر گرفته باشند. «بَخ، بَخَّ، بَخَّ، بَخَّ، بَخَّ، بَخَّ، بَخَّ» اصطلاحی رایج در سکه‌های دوره مورد مطالعه در شرق و غرب اسلامی است و بارها بر سکه‌ها نقر شده که نشان‌دهنده کیفیت و صحت وزن سکه نیز ملاکی برای تمییز سکه‌های اصل از تقلبی بود^{۱۰۲} بَخ اسم فعل به معنی کار یا پدیده‌ای بزرگ که در مقام شگفتی، فخر، ستایش و رضایت از چیزی گفته می‌شود: «بَخَّ بَخَّ»^{۱۰۳} شرتونی نوشته است که «بَه بَه» را به هنگام بزرگ شمردن چیزی به کار می‌برند و آن را با «بَخَّ بَخَّ» هم معنی دانسته است.^{۱۰۴} بنابراین در کتاب‌های لغت چنین برداشتی از بهلول وجود ندارد.

بنابراین با توجه به این که فقط در یک سال سکه‌ای با کلمه «بهلول» ضرب شد و پس از آن هرگز تکرار نشد اما «بَه»، «بَخ» در سکه‌های سال‌های بعد وجود دارد^{۱۰۵} می‌توان گفت بهلول در سکه مورد مطالعه اسم فرد است. دو نفر با نام بهلول در دوره مورد مطالعه شناسایی شد:^{۱۰۶} بهلول بن راشد؛ و ابووهیب بن عمرو بن مغیره مشهور به بهلول. بهلول بن راشد الرعینی فقیه و محدث مالکی در مغرب اسلامی است که در ۱۲۸ هـ در قیروان به دنیا آمد و در سال ۱۸۲ هـ درگذشت. از آن جاکه در شرح حال وی مسافرت به مناطق شرقی دیده نمی‌شود نمی‌تواند بهلول مورد نظر باشد.^{۱۰۷}

معروف‌ترین بهلول دوره خلافت هارون ابووهیب بن عمرو بن مغیره مشهور به بهلول

۱۰۲. القزازی، «الدرهم العباسی فی زمن الخلیفتین المهدی و الهادی»، ۲۶۰.

۱۰۳. فراهیدی ازدی؛ ۱۱۷/۱؛ ابن منظور ۳/۵-۶؛ شرتونی، ۳۱/۱.

۱۰۴. شرتونی، ۶۳/۱.

105. Miles, 60, 63.

۱۰۶. البته بهلول بن حسان بن سنان، ابوالهیشم التنوخی (د ۲۰۴ق) از اهالی انبار یکی دیگر از افرادی است که به شهرهای بغداد، بصره، کوفه، مکه و مدینه برای آموختن دانش‌های رایج در آن زمان مانند شعر، تاریخ و تفسیر مسافرت کرد اما گزارشی از حضور وی در ری وجود ندارد (ابن جوزی، ۱۳۲/۱۰؛ خطیب بغدادی، ۱۰۹/۷).

۱۰۷. مالکی، ۲۰۹؛ بامطرف، ۲۴۰/۱؛ زرکلی، ۷۷/۲.

است. حال سؤال این جاست که آیا بهلول منقوش بر روی سکه در واقع همان بهلول مشهور است؟ اولین بار جاحظ (د ۲۵۵هـ) از بهلول با عنوان یکی از مجانین کوفه یاد کرده و گفتگوی وی را با اسحاق بن الصباح آورده که در این گفتگو^{۱۰۸} به تشیع بهلول نیز اشاره شده است.^{۱۰۹} اسحاق بن الصباح یکبار در فاصله سال‌های ۱۶۰ تا ۱۶۵هـ^{۱۱۰} و بار دوم در ۱۷۰هـ به مدت سه ماه امارت کوفه را در اختیار داشت.^{۱۱۱} بنابراین وجود بهلول در زمان هارون مورد تأیید است.^{۱۱۲} بعد از جاحظ افراد دیگر مانند ابن قتیبه دینوری (د ۲۷۶هـ)،^{۱۱۳} ابوطیب الوشاء (د ۳۲۵هـ)،^{۱۱۴} ابن عبدربه (د ۳۲۸هـ)^{۱۱۵} و حسن بن محمد نیشابوری (د ۴۰۶هـ)^{۱۱۶} نیز از بهلول یاد کرده‌اند. البته برخی بهلول را برادر مادری یا پسرعموی هارون خوانده‌اند که صحیح نیست^{۱۱۷} زیرا به جز هم‌زمانی این دو با یکدیگر، دلیل و سند معتبری وجود ندارد.^{۱۱۸}

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، تشیع بهلول موضوعی است که در مطلب جاحظ

۱۰۸. ترجمه مطلب جاحظ درباره بهلول: «یکی از مجانین کوفه بهلول بود که ادعای تشیع می‌کرد. اسحاق بن صباح به او گفت: خداوند امثال تو را در شیعه زیاد کند! بهلول گفت: نه، خداوند امثال مرا در مرجئه زیاد گرداند و امثال تو را در شیعه زیاد کند».

۱۰۹. جاحظ، ۲/۲۳۰.

۱۱۰. ابن جوزی، ۲۵۱/۸؛ ابن اثیر، ۶/۶۷.

۱۱۱. خلیفه بن خیاط، ۳۰۶.

۱۱۲. نک. ابن جوزی، ۹/۱۵۵.

۱۱۳. ابن قتیبه، مجلد ۲، ۴/۵۱.

۱۱۴. الوشاء، ۲۵۴-۲۵۵.

۱۱۵. ابن عبدربه، ۷/۱۶۶.

۱۱۶. نیشابوری، ۱۳۹-۱۴۲.

۱۱۷. به عنوان نمونه مستوفی، ۶۳۷؛ شوشتری، ۲/۱۴.

۱۱۸. منفرد، ۴/۸۳۴.

آمده، سپس ابن عبدربه (د ۳۲۸هـ) در مطلبی به آن اشاره کرده^{۱۱۹} و در ادامه شیخ طوسی (د ۴۶۰هـ) بهلول را از اصحاب امام صادق(ع) و از راویان حدیث شیعه معرفی^{۱۲۰} و ابن حجر عسقلانی (د ۸۵۲هـ) از ارتباط بهلول مجنون با امام صادق(ع) سخن گفته است.^{۱۲۱} بنابراین با استناد به برخی از داستان‌های نقل شده درباره بهلول که در آن هوشمندانه نظریات کلامی مخالف شیعه، از جمله «رؤیت الله» و «جبر در برابر اختیار»، را رد می‌کند یا آشکارا از سب اهل بیت پیامبر علیهم السلام دوری می‌جوید، می‌توان نشانه‌های تمایلات شیعی را در وی جست.^{۱۲۲}

منابع تاریخی درباره حاکم ری در سال ۱۷۳هـ ساکت هستند اما سکه بهلول ضرب سال ۱۷۳هـ این احتمال را تقویت می‌کند که بهلول برای مدت کوتاهی حاکم ری بود. در تائید سکه بهلول و بررسی منابع حدیثی مشخص شد که سدیدالدین ابی علی بن طاهر الصوری از علمای قرن ششم هجری در ذیل احادیث پیرامون کمک و یاری‌رساندن مؤمنان به یکدیگر، داستان فردی از اهالی ری را در زمان امام موسی کاظم(ع) (۱۴۸-۱۸۳هـ) آورده است که به دلیل مشکلات مالی توانایی پرداخت بدهی‌های خود به حکومت را نداشت و بعد از سفر حج و ملاقات با امام کاظم(ع) و انتقال پیام^{۱۲۳} به حاکم ری که از شیعیان و منشیان یحیی بن خالد برمکی بود مورد توجه ویژه حاکم قرار می‌گیرد.^{۱۲۴} مجلسی

۱۱۹. ابن عبدربه، ۱۶۶/۷.

۱۲۰. طوسی، ۱۷۳. شیخ طوسی نام بهلول را «بهلول بن محمد الصیرفی» نوشته است. احتمال دارد با توجه به دوره زمانی حیات بهلول، بهلول مورد نظر شیخ طوسی همان ابو وهیب بن عمرو بن مغیره صیرفی یا صوفی باشد.
۱۲۱. ابن حجر عسقلانی، ۳۵۷/۱.

۱۲۲. ابن عبدربه، ۱۶۶/۷؛ امین، ۶۱۸/۳-۶۱۹؛ ۶۲۲؛ مدرس تبریزی، ۲۰۹/۵-۲۱۰.

۱۲۳. «بسم الله الرحمن الرحيم. بدان که زیر عرش خداوند سایه‌ای وجود دارد که کسی را توان آسایش در زیر آن نیست، مگر آن‌که در حق برادر خود خدمتی بکند یا مشکلی را از او بردارد یا سروری در قلب او وارد کند. این شخص برادر توست؛ والسلام» (صوری، ۲۳).

۱۲۴. همو، ۲۲-۲۳.

(د ۱۱۱۰هـ) نیز این مطلب را تکرار کرده است.^{۱۲۵} حسن بن محمد دیلمی از علمای قرن هشتم هجری با نقل این داستان، اهواز را به جای ری و امام صادق(ع) را به جای امام کاظم(ع) آورده است.^{۱۲۶} در ادامه ابن فهد حلی (د ۸۴۱هـ) نیز مطالب دیلمی را تکرار کرده است.^{۱۲۷}

باید توجه داشت اگرچه یحیی بن خالد برمکی از جوانی با امور سیاسی آشنایی داشت اما اولین بار در سال ۱۵۸هـ به حکومت آذربایجان گماشته شد^{۱۲۸} و سپس تا سال ۱۶۱هـ که از طرف مهدی مأمور سرپرستی و تربیت هارون را بر عهده گرفت از وی اطلاعی در دست نیست. این که برخی وی را عامل مالیاتی یکی از کوره‌های فارس دانسته‌اند یا این که مالیات آن جا را تضمین کرد، ولی مالی هنگفت کم آورد و وام گرفت^{۱۲۹} احتمالاً مربوط به همین سال‌ها باشد. نتیجه این که روایت علی بن طاهر صوری درست به نظر می‌رسد و دیگران امام کاظم(ع) را با امام صادق(ع) جابه‌جا کرده‌اند. رسول جعفریان با استناد به مطالب کتاب علی بن طاهر الصوری چنین نوشته است: «این روایت نشان می‌دهد که در این دوره (اواخر قرن دوم هجری) حاکم ری نیز از شیعیان بوده و در پرده تقیه از شیعیان حمایت می‌کرده است».^{۱۳۰} البته وی در ادامه از این که نام حاکم در روایت نیامده اظهار تأسف کرده است.^{۱۳۱} بنابراین می‌توان گفت حاکم مورد نظر همان ابووهیب بن عمرو بن مغیره مشهور به بهلول است.

۱۲۵. مجلسی، ۴۲۶/۱۱.

۱۲۶. دیلمی، ۲۸۹.

۱۲۷. ابن فهد حلی، ۱۹۳.

۱۲۸. ابن اثیر، ۲۲۶/۶، ۲۲۸.

۱۲۹. جهشیاری، ۱۹۷؛ ابن خلکان، ۳۱/۴.

۱۳۰. جعفریان، ۱۶.

۱۳۱. همو، ۱۷.

با وجود این که درباره رابطه برمکیان و علویان گزاره‌های متناقضی وجود دارد^{۱۳۲} اما یحیی در ماجرای فرستادن فرزندش فضل برای پایان دادن به قیام یحیی بن عبدالله به او توصیه کرد که از سخت‌گیری نسبت به یحیی بپرهیزد و در عمل نیز چنین شد: «پس رسولان فرستاد به یحیی علوی و تطفها کرد تا بصلح اجابت کرد».^{۱۳۳} همچنین مجلسی در روایتی از احترام فراوان یحیی به امام موسی کاظم (ع) سخن گفته در حالی که از ترس هارون این موضوع را پنهان می‌کرده است. به همین دلیل هم امام به وی گفته بود که هارون وی را با فرزندش فرو خواهد گرفت.^{۱۳۴}

این که چرا و چگونه بهلول از اداره ری به عنوان یکی از مناطق جغرافیایی مهم کنار گذاشته شد یا استعفا داد بر ما پوشیده است اما نمی‌توان حساسیت‌های بیش از اندازه هارون نسبت به علویان را در این موضوع نادیده گرفت. به هر روی، سال‌های پایانی عمر بهلول در کوفه گذشت و احتمالاً اظهار جنون بهلول به توصیه امام موسی کاظم (ع) به منظور صیانت نفس و رهایی از آزار خلیفه عباسی و ایجاد گریزگاهی تا در مقام یا جایگاهی قرار نگیرد که ناگزیر شود تا دستور به قتل امام (ع) بدهد مربوط به زمانی است که بهلول در کوفه حضور داشت.^{۱۳۵} دیدار با هارون در سال ۱۸۸ هـ که به همراه فضل بن ربیع برای حج از کوفه عبور می‌کرد، نشان می‌دهد هارون وی را می‌شناخت و گفتگوهای آن دو و نصایح و پندهای بهلول به هارون که جنبه هشدار و تفکر درباره روز بازپسین و آخرت دارد نیز در نوع خود جالب توجه است.^{۱۳۶} درگذشت بهلول را در حدود ۱۹۰ هـ آورده‌اند^{۱۳۷} و نیبور مقبره بهلول را در شهر بغداد و در نزدیکی مجموعه‌ای که در آن زبیده همسر هارون نیز دفن بود، وصف

۱۳۲. نک. سجادی، ۹/۱۲.

۱۳۳. بیهقی، ۶۴۲/۲.

۱۳۴. مجلسی، ۳۰۱/۱۱-۳۰۲.

۱۳۵. امین، ۶۱۷/۳؛ شوشتری، ۱۴/۲.

۱۳۶. نیشابوری، ۱۳۹-۱۴۲.

۱۳۷. صفدی، ۳۰۹/۱۰؛ امین، ۶۱۷/۳.

نتیجه

بر روی سکه‌های دوره هارون در نواحی مختلف به‌ویژه محمدیه (ری) علاوه بر نام خلیفه، اسامی والیان و حاکمان محلی نیز نوشته می‌شد. منابع تاریخی سعد را حاکم ری در فاصله سال‌های ۱۶۶-۱۷۶ هـ آورده‌اند که مطالعه سکه‌ها نشان داد از ۱۷۰ تا ۱۷۳ هـ افرادی مانند یحیی، داود، معویه (معاویه)، حارث، فضل و بهلول نیز در اداره ری یا دارالضرب آن نقش داشتند. بر اساس اطلاعات موجود نام یحیی بر آخرین سکه‌های ضرب سال ۱۷۲ هـ به همراه «ب» و اولین سکه‌های ۱۷۳ هـ با «بهلول» آمده است. تاکنون بهلول فقط از طریق منابع مکتوب شناخته می‌شد اما سکه بهلول ضرب محمدیه در ۱۷۳ هـ مشخص ساخت که ابووهیب عمرو بن مغیره مشهور به بهلول با توجه به گرایشات شیعی و با حمایت یحیی بن خالد برمکی برای مدتی اداره ری را در اختیار داشت. این موضوع با داده‌های منابع حدیثی سده‌های بعدی که حاکم ری را در زمان امام موسی کاظم (ع) از شیعیان دانسته‌اند، تائید شد. اگر بپذیریم که «ب» منقوش بر آخرین گونه سکه‌های سال ۱۷۲ هـ در محمدیه به بهلول اشاره دارد می‌توان گفت بهلول اواخر ۱۷۲ و اوایل ۱۷۳ هـ اداره ری را در اختیار داشت. بعد از این اتفاق، بهلول به زادگاه خویش یعنی شهر کوفه بازگشت و در آن‌جا در مقابل پیشنهاد هارون مبنی بر پذیرفتن قضاوت، به توصیه امام موسی کاظم (ع) خود را به جنون زد. بنابراین جنون بهلول، نوعی تقیه با انگیزه‌های سیاسی بوده است تا از دسیسه‌های خلیفه عباسی در امان بماند. قرار گرفتن بهلول در منابع در زمره عقلائی مجنانبین و ملاقات‌ها و گفتگوهای وی با هارون و افراد دیگر که به وفور در منابع گزارش شده نشان دهنده کیاست وی است.

کتابشناسی

- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن، الكامل فی التاريخ، بیروت، دارصادر-داربیروت، ۱۳۸۵هـ/۱۹۶۵م.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد، المنتظم فی التاريخ الامم و الملوك، به کوشش محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲هـ/۱۹۹۲م.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی بن محمد، تعجیل المنفعه بزوائد رجال الاثمه الاربعه، به کوشش الدكتور اکرام الله امداد الحق، بیروت، دارالبشائر الاسلامیه، ۱۴۱۶هـ/۱۹۹۶م.
- ابن خلدون، عبدالرحمان، مقدمه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱هـ/۱۹۸۱م.
- ابن خلکان، شمس الدین احمد بن محمد، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، به کوشش احسان عباس، بیروت، لبنان، دارالثقافه، ۱۹۷۰م.
- ابن طباطبای، محمد بن علی بن طباطبای، الفخری فی آداب السلطانیه، به کوشش عبدالقادر محمد مایو، بیروت، دارالقلم العربی، ۱۴۱۸هـ/۱۹۹۷م.
- ابن عبدربه، العقد الفرید، به کوشش عبدالحمید ترحینی، بیروت، لبنان، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷هـ/۱۹۸۷م.
- ابن قتیبہ دینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم، عیون الاخبار، بیروت، بی تا.
- ابن منظور، لسان العرب، چاپ علی شیری، بیروت، لبنان، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲هـ/۱۹۹۲م.
- اکبری، امیر، «برامکه و عوامل نزاع دیوانسالاران ایرانی و عرب در عهد هارون عباسی»، پژوهشنامه تاریخ، شماره ۷، تابستان ۱۳۸۶ش.
- امین، محسن، اعیان الشیعه، چاپ حسن امین، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳هـ/۱۹۸۳م.
- آذرنوش، آذرتاش، «بهلول»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳ش.
- بامطرف، محمد عبدالقادر، کتاب الجامع، بغداد، دارالرشید للنشر، ۱۴۰۰هـ.
- بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی عربی - فارسی: ترجمه المنجد الابجدی، ترجمه رضا مهبیار، تهران، اسلامی، ۱۳۷۰ش.
- بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۸م.
- بیهقی، ابوالفضل، تاریخ بیهقی، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، مهتاب، ۱۳۷۴ش.
- تاریخ سیستان، محقق ملک الشعراء بهار، تهران، پدیده خاور، ۱۳۶۶ش.
- ترابی طباطبایی، سید جمال و منصوره وثیق، سکه های اسلامی از آغاز تا حمله مغول، تهران، انتشارات

مهد آزاد، ۱۳۷۳ ش.

جاحظ، عمرو بن بحر، البیان والتبیین، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، قاهره، مکتبه الخانجی، ۱۴۱۸ هـ.

جر، خلیل، فرهنگ عربی به فارسی، ترجمه حمید طبیبیان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.

جعفریان، رسول، تاریخ گسترش تشیع در ری، ری، آستان مقدس حضرت عبدالعظیم، ۱۳۷۱ ش.
جهشیاری، ابوعبدالله محمد بن عبدوس، الوزراء و الکتب، بیروت، دارالفکرالحديث، ۱۴۰۸ هـ/۱۹۹۸ م.
حلی، احمد بن فہل، عدہ الداعی و نجاح الساعی، به کوشش احمد موحدی قمی، بیروت، دارالکتب الاسلامی، ط الاولی، ۱۴۰۷ هـ/۱۹۸۷ م.

خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت-لبنان، دارالکتب العلمیہ، ۱۴۱۷ هـ/۱۹۹۷ م.
خلیفہ بن خیاط، ابوعمر و خلیفہ بن خیاط الشیبانی العصفری، تاریخ خلیفہ، به کوشش فواز، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ۱۴۱۵ هـ/۱۹۹۵ م.

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، موسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۷ ش.

دیلمی، حسن بن محمد، علام الدین فی صفات المومنین، بیروت، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ هـ.

رامپوری، غیاث الدین محمد بن جلال، غیاث اللغات، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، کانون معرفت، بی تا.

رباح، اسحاق محمد، تطور النقود الاسلامیہ حتی نہایہ عہد الخلفہ العباسیہ، عمان، دارکنوز المعرفہ، ۲۰۰۸ م.

رضائی باغ بیدی، حسن، سکه های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، تهران، سمت، ۱۳۹۳ ش.

زامبور، ادوارد فون، معجم الانساب و الاسرات الحاکمه فی التاريخ الاسلامی، اخرجہ زکی محمد حسن بک و حسن احمد محمود، بیروت-لبنان، دارالرائد العربی، ۱۴۰۰ هـ/۱۹۸۰ م.

زرکلی، خیرالدین، الاعلام، بیروت، دارالعلم الملايين، ط الثامنہ، ۱۹۸۹ م.

سجادی، صادق، «برمکیان»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۸۶ ش.

سرافراز، علی اکبر و فریدون آوزرمانی، سکه های ایران از آغاز تا دوران زندیه، تهران، سمت، ۱۳۹۱ ش.

شرتونی، سعید، اقرب الموارد فی فصیح العربیہ و الشوارد، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی (ره)،

۱۴۰۳ هـ.

- شمس اشراق، عبدالرزاق، سکه‌های نقره‌ای خلافت اسلامی، اصفهان، انتشارات استاک، ۱۳۸۹ ش.
- شوشتری، نورالله، مجالس المؤمنین، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
- صفدی، خلیل بن ایبک، الوافی بالوفیات، به کوشش ژاکلین سوبله و علی عمارة، ویسبادن ۱۴۰۲ هـ/۱۹۸۲ م.
- صوری، سدیدالدین علی ابن طاهر، قضاء حقوق المومنین، به کوشش حامدالخفاف، بیروت، موسسه آل‌البيت لاحیا التراث، ط الثاني، ۱۴۱۰ هـ/۱۹۹۰ م.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوك، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ هـ/۱۹۶۷ م.
- طوسی، محمد بن حسن، رجال، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۵ هـ.
- عقیلی، عبدالله، دارالضرب‌های ایران در دوره اسلامی، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی، ۱۳۷۷ ش.
- فراهیدی ازدی، خلیل بن احمد، کتاب العین مرتباً علی حروف المعجم، به کوشش عبدالحمید هندای، بیروت، لبنان، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ هـ/۲۰۰۳ م.
- فهمی محمد، عبدالرحمن، التقود العربیه ماضی‌ها و حاضرها، قاهره، المكتبه الثقافه، ۱۹۶۴ م.
- قدامه بن جعفر (کاتب بغدادی)، ابی الفرج، الخراج و صناعه الكتابه، محقق محمدحسین زبیدی، بغداد، دارالرشید، ۱۹۸۱ م.
- القرزازی، السیده وداد، «الدرهم العباسی فی زمن الخلیفتین المهدي و الهادی»، سومر، الجزء ۱ و ۲، المجلد العشرون، ۱۹۶۴ م.
- همو، «الدرهم العباسی فی زمن الخلیفه هرون الرشید»، سومر، الجزء ۱ و ۲، المجلد الحادی و العشرون، ۱۹۶۵ م.
- قزوینی، زکریا بن محمد، آثار البلاد و اخبار البلاد، ترجمه میرزا جهانگیر قاجار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳ ش.
- قلقشندی، احمد، صبح الأعشی فی صناعة الإنشاء، قاهره، وزاره الثقافه و الارشادالقومی، ۱۳۸۳ هـ.
- گردیزی، عبدالحی، زین الاخبار، به کوشش عبدالحی حبیبی، تهران، دنیا، کتاب، چ اول، ۱۳۶۳ ش.
- لسترنج، گای، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷ ش.

- مالکی، عبدالله بن محمد، ریاض النفوس فی طبقات علماء القیروان و أفريقية و زهادهم و نساكهم و سير من أخبارهم و فضائلهم و أوصافهم، بیروت، دارالغرب اسلامی، ۱۴۱۴هـ.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، جزء ۱۱، قم، احیاء الکتب الاسلامیه، ۱۴۳۰هـ.
- مجمّل التواریخ و القصص، به کوشش ملک الشعراء بهار، تهران، کلاله خاور، بی تا.
- مدرس تبریزی، محمدعلی، ریحانة الأدب فی تراجم المَعروفینَ بِالکُنْیةِ أَوِ اللِّقَبِ یا کنی و القاب، تهران، انتشارات خیام، ۱۳۶۹ش.
- مستوفی، حمدالله بن ابی بکر، تاریخ گزیده، چاپ عبدالحسین نوانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲ش.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، به کوشش اسعد داغر، قم، دار الهجر، ۱۴۰۹هـ.
- مقریزی، تقی الدین احمد بن علی، شذورالعقود فی ذکر المنقود، بخط یوسف الملاح سبط الحنفی، مکتبة جامعة الرياض، الرقم ۴ ر ۳۳۲.
- منجم، اسحاق بن حسین، اکام المرجان، محقق فهمی سعد، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۸هـ.
- منفرد، افسانه «بهلول»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۸۶ش.
- همو، «برمکیان»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۸۶ش.
- نقشبندی، ناصر، الدینار الاسلامی فی المتحف العراقی، بغداد، دارالوثاق، ۱۳۷۲هـ/۱۹۵۳م.
- نیبور، کارستن، رحلة الی شبه جزیرة العربیة و الی بلاد أخرى مجاوره لها، ترجمه عبیر المنذر، بیروت، انتشارات العربی، ۲۰۰۷م.
- نیشابوری، ابوالقاسم حسن بن محمد، عقلاء المجانین، به کوشش عمر الاسعد، بیروت، دارالنفائس، ۱۴۰۷هـ/۱۹۸۷م.
- الوشاء، ابوطیب محمد بن احمد بن اسحاق، کتاب الفاضل فی صفه الادب الکامل، به کوشش یحیی وهب الجبوری، بیروت-لبنان، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۱۱هـ/۱۹۹۱م.
- یاقوت حموی، معجم البلدان، بیروت، دارصادر، ۱۹۹۵م.
- همو، المشترك وضا و المقترق صقعا، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۶هـ/۱۹۸۶م.
- هوف، دیتریش، «نظری اجمالی به پایتختهای ایران از آغاز تا ظهور اسلام»، در پایتختهای ایران، به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴ش.

- يعقوبی، احمد بن اسحاق، البلدان، به کوشش محمدا مین ضناوی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ھ.
- Albume, Stephen, *checklist of Islamic coins*, third edition, Stephen album rare coins, November 2011.
- Bonner, Michael, "the mint of HĀRŪNĀBĀD and AL-HĀRŪNIYYA", *American Journal of Numismatics*, Vol. 1 (1989), pp. 171-193.
- Meier, Ernst, "Die Werthbezeichnungen auf muhammedanischen Münzen", *ZDMG*, Vol. 18, No. 4, 1864.
- Marzolph, Ulrich, "BOHLŪL, ABŪ WOHAYB," *Encyclopaedia Iranica*, IV/3, pp. 319-320, <https://iranicaonline.org/articles/bohlul-abu-wohayb-b>.
- Miles, George, *the numismatic history of Rayy*, New York, the American numismatic society, 1938.
- Nikitin, Basil, "Bahlul", *EF²*, Leiden, E. J. Brill, 1986.
- Nutzel, Heinrich, *Katalog der orientalischen Münzen*, Berlin, W. Spemann, 1902.
- Sourdél, Dominique, "Al-Baramika", *EF²*, Leiden, E. J. Brill, 1986.
http://db.stevealbum.com/php/lot_auc.php?sale=35&lot=926